

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کارنامه فرمانده

روایتی از زندگی شهید آیت الله مرشد فلاحی

طیبه مزینانی

۱۳۹۷

سرشناسه	مزينانی، طيبه، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پديدآور	کارنامه فرمانده: روايتی از زندگی شهيد امير سرلشکر ولی الله فلاحي / طيبه مزينانی.
مشخصات نشر	تهران: سازمان عقيدتی سياسی آجا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري	۳۳۶ ص. : مصور (رنگی).
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۲-۴۶-۹ : ۲۰۰۰۰۰ ريال
وضعيت فهرست‌نویسی	فيا
عنوان ديگر	روایتی از زندگی شهيد امير سرلشکر ولی الله فلاحي.
موضوع	فلاحي، ولی الله، ۱۳۱۰ - ۱۳۶۰.
موضوع	جنگ ايران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهيدان
موضوع	Iran - Iraq War, 1980 - 1988 -- Martyrs:
شناسه افزود	انتشارات سازمان عقيدتی سياسی آجا
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ / ۸م۴ / ف ۱۶۲۶ DSR
رده‌بندی ديویی	۳ : ۹۵۵/۰۸۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۸ : ۱۶



کارنامه فرمانده (روایتی از زندگی شهيد امير سرلشکر ولی الله فلاحي)

- نویسنده: طيبه مزينانی
- تحقيق و مصاحبه: احمد حسيني
- ويراستار: سيدمحمد نقیبي
- ناظر عالی: سرتیپ دوم علی محمد گودرزی
- ناظر محتوایی: مجتبی نوری
- واپایش نهایی: مرتضی مشاکی
- صفحه‌آرایی: حمید وطن‌خواه
- طراحی جلد: آرمان شیرازی
- ناظر چاپ: مسعود موری
- نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۷
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- بها: ۲۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۲-۴۶-۹
- ناشر: انتشارات سازمان عقيدتی سياسی آجا
- ليترگرافي، چاپ و صحافي: چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ايران

نشانی: تهران، صندوق پستی ۳۳۷۶ - ۱۶۷۶۵، سازمان عقيدتی سياسی ارتش جمهوری اسلامی ايران
 معاونت فرهنگی و روابط عمومی (اداره فرهنگی و انتشارات) وبگاه: www.aja.ir
 تلفن: ۸۱۹۵۳۳۸۱ و ۸۸۴۷۵۵۰۳ نشانی الکترونیکی: nashresaff@yahoo.com
 مرکز توزیع محصولات فرهنگی ارتش: ۲۲۹۳۹۱۲۴ و ۲۳۳۳۱۵۲۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۱	فلاحی در یک نگاه
۱۳	بحرانی شبیه توفان
۳۵	فرمانده بی سپاه
۴۵	حرف امام
۵۹	پرچم خودمختاری
۷۱	هیئت حسن نیت
۷۷	زلزله طبس
۸۱	مرید و مراد
۹۹	فلاحی، زنده است!
۱۱۵	مرز خوزستان
۱۲۳	حکم تیمسار
۱۳۱	چهره‌های قدیمی

- ۱۳۵..... زنده باد ارتش.....
- ۱۳۹..... سرتیپ شاه.....
- ۱۴۵..... یک جنگ فرسایشی.....
- ۱۵۵..... بر فراز آسمان درفول.....
- ۱۶۵..... جواز دروغ.....
- ۱۷۳..... طرح آد.....
- ۱۹۷..... خدمت به میهن.....
- ۲۱۹..... یک جای خالی.....
- ۲۳۱..... پیمان بسته‌ام.....
- ۲۴۱..... ردّ خون.....
- ۲۴۹..... تسلیم بی‌قید و شرط.....
- ۲۵۵..... یک تماشاجی.....
- ۲۵۹..... بیراه نیست.....
- ۲۶۵..... آزادسازی نوسود.....
- ۲۷۳..... می‌خواهم با مردم حرف بزنم.....
- ۲۸۵..... کانال هندلی.....
- ۲۹۱..... ارتش نگو، آتش بگو!.....
- ۳۰۱..... چیزی شبیه رقصیدن در باد.....
- ۳۱۳..... منابع.....
- ۳۱۷..... شهید فلاحی به روایت تصویر.....

مقدمه

ولی الله فلاحي در سال ۱۳۱۰ در طالقان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در طالقان و دبیرستان نظام ایران گذراند. وی پس از اخذ دیپلم در مهر ۱۳۳۰ وارد دانشکده افسری شد و با درجه سرتان ده می از آن دانشکده فارغ التحصیل و سپس در لشکر ۹۲ زرهی خدمت خود را شروع کرد.

امیر سرتیپ فلاحي به دلیل مخالفت با رژیم حکومت پهلوی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۲ چهار بار به زندان افتاد. اما به دلیل تفکر و دانش بالایی که داشت از افسران زبده قابل احترام ارتش شاهنشاهی بود و همواره مورد احترام فرماندهان ارتش بود.

شهید فلاحي با درجه سرهنگ دومی به همراه گروهی از افسران ایرانی به عنوان ناظر صلح سازمان ملل در آتش بس ویتنام، از سال ۱۳۵۱ تا اواسط ۱۳۵۱ را در این کشور گذراند. او در ۱۲ مهر ۱۳۵۷ پس از ارتقا و دریافت درجه سرتیپی به شیراز منتقل و به عنوان معاون فرماندهی مرکز پیاده شیراز به کار خود ادامه داد و پس از انقلاب اسلامی بازنشسته شد.

حضور امیر سرتیپ فلاحي در شیراز همزمان با اوج فعالیت های مردم بر ضد حکومت پهلوی بود؛ به همین دلیل در بیشتر شهرهای ایران از جمله شیراز حکومت نظامی اعلام شده بود. به دلیل کوشش های امیر سرتیپ فلاحي، حکومت نظامی در شیراز لغو و

نیروهای ارتش از خیابان‌ها جمع شدند و وظیفه اجرای این حکم به شهربانی داده شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی امیر سرتیپ فلاحی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش انتخاب شد.

یک ماه پس از انقلاب در اسفند ۱۳۵۷ شماری از نیروهای احزاب معاند کرد به پادگان‌های ارتش و ژاندارمری در مهاباد، سنندج، بانه، مریوان و دیگر شهرهای کردستان یورش بردند. آنها را محاصره کردند. فلاحی در جایگاه فرمانده نیروی زمینی به دستور شهید سید قمری (رئیس وقت ستاد مشترک ارتش) و با همراهی سه گردان از نیروهای لشکر یکم پیادگان تهران، رهسپار منطقه شد و با یاری بخشی از نیروهای لشکر ۶۴ ارومیه و لشکر ۲۸ پیاده در استان از سقوط پادگان سنندج و گسترش حوزه نفوذ حزب دموکرات به جنوب جلوگیری کرد. همزمان دولت موقت و نیروهای سیاسی نزدیک به آن با گسیل داشتن هیئت حسن نیت در پی راهکاری برای پایان درگیری بود و بر پایه آن توافق شد که تأمین امنیت شهرهای کردستان به گونه موقت بر عهده نیروهای پیشمرگان مسلمان کرد قرار گیرد و نیروهای ارتش در امور انتظامی شهرها دخالت نکنند. در این شرایط، سرلشکر قمری به نرماشیر دولت موقت و توافق بین و ناایدار با گروه‌های مسلح مخالف اعتراض کرد و استعفا داد و سرلشکر ناصر فرید جایگزین او شد. در همین حال تیمسار فلاحی با بینش نظامی و هوشیاری راهبردی این واقعیت را درک کرده بود که ممکن است احزاب مسلح از فرصت آتش‌بس موقت برای بازسازی نیرو و عضوگیری دوباره در شهرها و تثبیت موقعیت خود در میان عشایر منطقه بهره گیرند. از همین رو نیز، در تمام مدتی که آتش‌بس ناپایدار حکمفرما بود، عناصر اطلاعاتی یگان‌های عمل کننده ارتش در منطقه نه تنها فعالیت‌های احزاب مسلح، بلکه خیز پشتیبانی و لجستیکی عراق در مناطق مرزی را نیز زیر دید خود داشتند.

با اوج گرفتن دوباره درگیری‌ها در آغاز تابستان ۱۳۵۸، فلاحی بار دیگر در منطقه حاضر شد و فرماندهی یگان‌های ارتش را به عهده گرفت. تیمسار فلاحی در ۲۸ مرداد

۱۳۵۸ به سمت ریاست ستاد مشترک ارتش منصوب شد و در سال نخست جنگ با عراق راهبردهای دفاعی ایران را هدایت کرد.

در سال نخست جنگ، به دلیل نبود توان رزمی و عملیاتی در یگان‌های آسیب دیده ارتش و نابسامانی شرایط سیاسی کشور، بخش بزرگی از توان رزمی نیروها برای زمینگیر ساختن ماشین جنگی عراق و جلوگیری از پیشروی آن در خوزستان هزینه شد. البته این راهبرد، که به گونه چکیده می‌توان آن را «جنگیدن با آرامش و درنگ بر پایه دانش نظامی» نامگذاری کرد، به مذاق بسیاری از انقلابیون آن روزگار خوش نمی‌آمد و به همین دلیل فلاحی از سوی جوانان انقلابی به بی‌عملی و ناآزمودگی متهم می‌شد. از شهید فلاحی نقل شده که در مقام ریاست ستاد ارتش گفته بود: «من وجب به وجب خاک خوزستان را به علت محل خدمت دریافت می‌شناسم. با توجه به پیشروی سریع عراق آرزو داشتم که ارتش عراق زمینگیر شود که - یمن شد. اکنون تنها یک آرزوی دیگر دارم. تنها آرزویم این است که ارتش متجاوز عراق از اراضی آبادان تا مارد عقب بنشاند.» با طراحی و اجرای پیروزمندانه عملیات ثامن الائمه در خوزستان، سرآبادان آرزوی شهید فلاحی برآورده شد و وضعیت راهبردی جنگ دگرگون و زمینه برای پیروزی‌های بزرگ آینده فراهم شد. اگرچه چند ساعت پس از پایان این عملیات و سر را با انگشت به تهران شهید فلاحی در سقوط هواپیما جان خود را از دست داد، ولی چنان‌که در روایت‌نامه‌اش آورده بود «کارنامه» او برای همیشه در معرض قضاوت نسل‌های متوالی «دست و دویژه ارتش ایران» قرار خواهد داشت.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، او در جرگه یکی از موفق‌ترین رؤسای ستاد در تاریخ ارتش ایران به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های او شناخت دقیق و درست از «سازمان ارتش» و چگونگی عملکرد آن بود. او به یاری گذراندن دوره‌های عالی نظامی در آمریکا و تجربه عملی کار در رکن یکم ارتش، نسبت به نقاط قوت و ضعف این سازمان و ویژگی‌ها و روحیات افسران زیردست خود شناختی فراگیر داشت و با اتکا به همین آگاهی‌ها

توانست سازمان ارتش را در بحرانی‌ترین شرایط نگه دارد و مدیریت کند. دیگر ویژگی او واقع‌نگری و برداشت ژرف و درست او نسبت به جستارهای راهبردی و نظامی و همچنین مسائل سیاسی و اجتماعی بود. هشیاری سرشتی و بیش از اجتماعی گسترده‌اش، او را در زمره نخستین افسران ارتش شاهنشاهی قرار دارد که پیروی محض از سلسله‌مراتب نظامی را کنار گذاشته و در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی دریافتند که ارتش بدون پشتیبانی، آموزش، انگیزه و نفرات لازم، برای برخورد با بحران‌های شهری و رویارویی با مردم در جنگ خیابانی امید موفقیتی ندارد. به‌همین دلیل و نیز به جهت باور به این اصل که کارکرد اصلی نیروها مسلح کشور نه پاسداری از قدرت و منافع یک فرد یا گروه ویژه، بلکه نگاهبانی از کيان و تمامیت ارضی ایران است، در زمانی که معاونت فرماندهی مرکز پیاده شیراز را بر عهده داشت توانست فرمانده این مرکز (سرلشکر ده‌پناه) را قانع کند که مسئولیت مقابله با تظاهرات مردم شیراز و اجرای مقررات حکومت نظامی را به شهرتانی واگذار کند. ویژگی دیگر فلاحی باور او به کاربردی کردن دانش نظامی در جریان طراحی راهبردها و راهکشی‌های جنگی بود. در نزدیک به ده سال از دوران خدمت خود را در مقام استاد و مدیر آموزش دانشکده فرماندهی، ستاد (دافوس) در دانشگاه نظامی گذراند، در شرایطی که بسیاری از امرای ارتش که ارشدتر از او بودند در کلاس‌هایش شرکت می‌کردند. برآیند این تجربه، به کارگیری دانش روز نظامی در برنامه‌ریزی کارگماردن نیروهای کاردان در ساماندهی مقاومت سرنوشت‌ساز یک سال نخست جنگ بود.

ششم مهر ۱۳۶۰، پس از یکسال مقاومت در برابر ارتش متجاوز بعث، نیروهای ایرانی طی یک عملیات گسترده با محوریت لشکر ۷۷ پیاده خراسان، محاصره آبادان را به‌طور کامل شکستند. روز هفتم مهرماه امیر سرتیپ فلاحی در قرارگاه عملیاتی لشکر ۷۷ در ماهشهر، لشکر ۷۷ خراسان را لشکر ۷۷ پیروز ثامن‌الائمه نامید. در این مراسم وزیر دفاع سرهنگ نامجوی، سرهنگ فکوری و سرتیپ ظهیرنژاد نیز حضور داشتند. پس از این مراسم، غیر از سرتیپ ظهیرنژاد، بقیه فرماندهان عازم اهواز شدند. امیر سرلشکر ولی‌الله

فلاحی، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش و چندی دیگر از فرماندهان ارتش و سپاه که برای نظارت بر اجرای عملیات تأمین‌الائمه در جبهه حضور داشتند، برای ارایه گزارش عملیات به رهبر کبیر انقلاب؛ امام خمینی (ره)، با یک فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ نیروی هوایی، عازم تهران بودند اما بر اثر سقوط این هواپیما در حدود ساعت ۸ بعد از ظهر هفتم مهرماه در بیابان‌های کهریزک، این فرماندهان، دعوت حق را لبیک گفتند.

یادشان گرامی و راهشان پُر رهرو باد.

www.ketab.ir